

نگاهی متفاوت به قانون اینرسی و نقش فرشتگان در حیات و حرکت عالم

بازتعریف قانون اینرسی و مفهوم نیرو در چارچوب جهان‌بینی توحیدی

- قانون اینرسی چیست و بیانگر چه مفهومی درباره حرکت یا سکون اجسام است؟
 - بر اساس قانون اینرسی، چه عاملی سبب تغییر وضعیت اجسام می‌شود؟
 - تفاوت دیدگاه دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان درباره ماهیت نیرو و انرژی چیست و فرشتگان چه ارتباطی با این مفاهیم دارند؟
- «هر جسمی، حالت سکون یا حرکت مستقیم و یکنواخت خود را حفظ می‌کند؛ مگر آنکه تحت تأثیر نیرویی خارجی مجبور به تغییر آن حالت شود.»

جمله‌ای که خواندید، قانون اول نیوتن موسوم به قانون اینرسی یا قانون لختی است. طبق قانون اینرسی، تمام اجسام در برابر تغییر وضعیت از خود مقاومت نشان می‌دهند؛ یعنی اگر جسمی در حالت سکون باشد، دوست دارد تا ابد در این حالت باقی بماند، یا اگر با سرعت ثابت در جهتی مشخص حرکت می‌کند، دوست دارد تا ابد به حرکت خود با همان سرعت و در همان جهت، ادامه دهد؛ مگر آنکه یک نیروی خارجی آن را وادار به تغییر وضعیت کند. به‌طور مثال، کتاب روی میز مادامی که نیرویی از بیرون به آن وارد نشود و آن را تکان ندهد، وضعیت سکون خود را حفظ می‌کند؛ همچنین، توپی که به هوا پرتاب می‌شود، اگر نیروی اصطکاک مولکول‌های هوا و نیروی جاذبه زمین نباشد، تا ابد با همان سرعت اولیه در جهتی که پرتاب شده، به حرکت مستقیم خود ادامه می‌دهد.

در رابطه با اصل وجود نیروهای خارجی که سبب تغییر وضعیت اجسام می‌شوند، تردیدی وجود ندارد و همه دانشمندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بر این موضوع صحه می‌گذارند. تنها تفاوت دیدگاهی که هست،

مربوط به چیستی و ماهیت نیروهای خارجی است؛ درواقع، سؤال این است که آیا نیروهای مطرح شده در قانون اینرسی آن‌طور که فیزیک مدرن می‌گوید، مفاهیمی انتزاعی و ذهنی هستند، یا طبق اعتقاد اندیشمندان مسلمان، واقعیتی زنده، ذی‌شعور و دارای قدرت و اراده در پشت پرده این نیروها و انرژی‌های موجود در جهان نهفته است؟

در این درس می‌خواهیم به پاسخ این سؤالات بپردازیم و مفهوم نیرو و انرژی و ارتباط آن با فرشتگان الهی را از زاویه حکمت اسلامی بازتعریف کنیم.

کشف ماهیت نیرو و پیوند آن با عالم ملکوت

اینکه بدانیم نیروهایی در جهان وجود دارند که اجسام مادی را به حرکت و جنبش وامی‌دارند، مسئله مهمی است؛ اما مهم‌تر این است که بدانیم ماهیت این نیروها چیست و از کدام منبع سرچشمه می‌گیرند. اسپرمی که در صلب مرد وجود دارد یک جسم مادی است که طبق قانون اینرسی، میل به سکون دارد و قاعداً نباید از جایش حرکت کند؛ در حالی‌که ما می‌بینیم در طول یک رابطه جنسی، مایع اسپرم در یک روند کاملاً دقیق و حساب شده، از محل تولید خود خارج می‌شود و با کمک حرکات شلاقی تاژک، مسیر واژن تا لوله فالوپ را که مسیری طولانی و پرپیچ و خم است طی می‌کند، تا به تخمک برسد. در این مسیر و در یک فرآیند غربالگری هوشمند که حقیقتاً از شاهکارهای مهندسی زیستی است، بسیاری از اسپرم‌ها از بین می‌روند و فقط قوی‌ترین‌ها باقی می‌مانند. در نهایت نیز فقط یک اسپرم موفق می‌شود لایه خارجی تخمک را بشکافد و با هسته آن لقاح پیدا کند. پس از لقاح، فرآیند تکثیر سلول‌ها در جنین آغاز می‌شود و در سلسله‌ای از کارهای پیوسته و هماهنگ از یک توده سلولی بی‌شکل، اندام‌ها و بافت‌های کاملاً تخصصی به‌وجود می‌آید که آن‌هم به نوبه خود از عجایب است.

چه نیرویی اسپرم را از جایش حرکت می‌دهد و انرژی مورد نیاز آن را تأمین می‌کند؟ چه عاملی سبب می‌شود از بین میلیون‌ها اسپرم فقط یکی از آن‌ها با تخمک لقاح کند؟ چگونه یک توده سلولی معمولی به بافت‌ها و اندام‌های کاملاً تخصصی در بدن جنین تبدیل می‌شود؟ آیا واقعاً می‌توان این فرآیندهای پیچیده و هوشمند را صرفاً به طبیعت خود مواد نسبت داد و نقش عالم امر و دخالت موجودات مجرد در این فرآیندها را نادیده گرفت؟!

بذر گیاه نیز مانند آنچه در مورد اسپرم گفتیم، قاعداً نباید حرکتی داشته باشد؛ چون جسم است و طبق قانون اینرسی، باید در جای خود و در هر وضعیتی که هست، ساکن بماند؛ درحالی‌که یکی از عجیب‌ترین تحرکات، در همین بذرهای زنده کوچک اتفاق می‌افتد. دانه بذر وقتی در دل خاک قرار می‌گیرد، شروع به جذب آب می‌کند و مانند اسفنج متورم می‌شود. با جذب آب، آنزیم‌های موجود در بذر فعال می‌شوند و مواد غذایی پیچیده مانند نشاسته را به قندهای ساده تبدیل و انرژی لازم برای رشد اولیه گیاهچه را فراهم می‌کنند. با فعال شدن آنزیم‌ها و دسترسی به مواد غذایی، بذر شروع به تنفس سلولی می‌کند؛ سپس ریشه‌چه از پایین و ساقه‌چه از بالا جوانه می‌زنند و بدین ترتیب یک گیاه بزرگ، که گاه ارتفاعش به چند متر می‌رسد، از دل یک بذر کوچک بیرون می‌آید. گیاهی که تک‌تک برگ‌هایش شناسنامه دارند و هیچ دو برگی، دقیقاً شبیه هم نیستند! تازه این‌ها فقط چیزهایی است که ما با چشم می‌بینیم. درون سلول‌های گیاهان هنگام وقوع فرآیندهایی مثل [فتوسنتز](#) و [تنفس سلولی](#)، غوغایی به پاست و هر برگ شبیه کارخانه‌ای است که در آن، حتی یک الکترون به اشتباه جابه‌جا نمی‌شود!

این‌ها تنها دو نمونه از میلیون‌ها و بلکه میلیاردها تحرکی است که در سطح ماکروسکوپی و میکروسکوپی در اجزای عالم ماده اتفاق می‌افتد؛ اگر بخواهیم به ماجراجویی‌مان ادامه بدهیم و تمام حرکت‌ها و جنبش‌هایی که در عالم اتفاق می‌افتد را بشماریم و بنویسیم، «مثنوی هفتاد من کاغذ» می‌شود! و تقریباً چنین کاری غیرممکن است. حالا سؤال اینجاست که این حرکت‌های دقیق و پیچیده و این نظم شگفت‌انگیز

در عالم، که اگر لحظه‌ای مختل شود جهان از هم می‌پاشد، به‌وسیله چه نیروهایی هدایت و مدیریت می‌شود؟

نگاه ناقص مادی‌گرایان به پدیده‌ها

واقعیت این است که بشر امروز متعمدانه و با پافشاری بر جهل خود که نام علم مدرن بر آن می‌گذارد، مایل است عالم خلق یا دنیا را بی‌نیاز از عالم امر و ملکوت بداند، تا مجبور نباشد به وجود عالم دیگری غیر از دنیا ایمان بیاورد؛ زیرا در آن صورت مجبور است تعهدات این ایمان را بپذیرد و این چیزی است که نفس سرکش بشر از آن فرار می‌کند؛ وگرنه وجود عالمی غیر از دنیا مثل روز روشن است و هرگز قابل کتمان نیست. هر انسان بالغی اگر به عقل و فطرت خود رجوع کند و حجاب عادت را از جلوی چشمانش کنار بزند، درمی‌یابد که هرگز نمی‌توان همه حوادث جهان را به گونه‌ای توجیه کرد که نیاز به عالم امر و دخالت ارواح مجرد در امور عالم نباشد. ما هر چقدر برای اتفاقات جهان توجیهات مادی بتراشیم، بازهم در نهایت به نقطه‌ای می‌رسیم که پذیرش آن جز با اتکا به عالم امر و دخالت موجودات غیرمادی در وقوع پدیده‌ها، قابل توجیه نیست.

اکثر دانشمندان علوم تجربی، پدیده‌های عالم را با نگرش کاملاً مادی‌گرایانه تفسیر می‌کنند؛ به همین دلیل به رغم پیشرفت‌های قابل توجه در علم، بشر هنوز تحلیل دقیقی درباره بسیاری از حوادث و مقوله‌های جهان ندارد؛ اما از آنجا که میل به کشف و دانستن در ذات ماست، سعی می‌کنیم این نادانی را با پناه بردن به نظریه‌پردازی جبران کنیم. یکی از این مقوله‌های مهم نیز مبحث نیرو و ماهیت آن است. همه می‌دانیم که نیروها اساس جهان و معماران اصلی جهان هستند و اگر نبودند، هیچ‌چیز آن‌طور که می‌شناسیم وجود نداشت. این نیروها هستند که الکترون‌ها را دور هسته اتم نگه می‌دارند و با اتصال اتم‌ها به هم، مولکول‌ها را تشکیل می‌دهند؛ اگر نیروها نبودند هیچ اتم و مولکولی وجود نداشت و طبیعتاً ماده‌ای شکل نمی‌گرفت.

ستاره‌ها و سیارات به وسیله نیروها در مدار مشخص نگه داشته شده‌اند و اگر نیروها نبودند، ساختار کهکشان‌ها از هم می‌پاشید. نیروها و تعاملات آن‌ها نقش کلیدی در تعریف ساختار فضا و زمان دارند؛ بدون آن‌ها، مفهوم فاصله یا زمان آن‌طور که می‌شناسیم از بین می‌رفت و خلاصه اینکه، اگر نیروها نبودند اصلاً جهان با این شکل و شمایل وجود نداشت.

فرشتگان، کارگزاران الهی و قوای عالم هستی

فیزیک مدرن درباره چیستی و ماهیت نیروها پاسخ قانع‌کننده‌ای ندارد. از نظر علم فیزیک، نیرو و انرژی عواملی بیرونی هستند که اگرچه واقعی‌اند، ولی ماهیت آن‌ها مشخص نیست و ما فقط می‌توانیم آثارشان را ببینیم؛ اما در حکمت اسلامی برای این سؤال که ماهیت نیرو چیست، پاسخ دقیق و روشنی وجود دارد.

نیرو در فارسی معادل «قوه» در عربی است. از نظر اهل حکمت نیروهایی که در قانون اینرسی از آن‌ها صحبت می‌شود و سبب تغییر وضعیت اجسام می‌شوند، همان قوای عالم هستی هستند و قوای عالم هستی نیز همان فرشتگان‌اند. ملامحسن فیض کاشانی از فلاسفه و حکمای شیعه، در کتاب علم‌الیقین نقل می‌کند که هیچ چیزی در این جهان نیست، مگر این که برای او در جهان دیگر نیرو و قوه‌ای روحانی وجود دارد که از آن قوه در زبان شریعت به ملائکه تعبیر می‌شود.^۱ علامه حسن‌زاده آملی نیز قوای عالم هستی را همان ملائکه الهی می‌داند.^۲ تعبیر دقیق‌تر برای قوای هستی، قوای الهی است؛ زیرا یک هستی بیشتر در جهان نیست، آن هم ذات مقدس «الله» است. خداوند هستی مطلق و بی‌نهایتی است که جهان را پر کرده و به جز او چیزی در عالم وجود ندارد. این مخلوقات که می‌بینیم از جمله خود ما، همگی تجلیات و ظهورات اسماء الهی هستیم و از خود وجود مستقلی نداریم.

^۱ علم‌الیقین، ص ۲۷۶

^۲ هزار و یک نکته، ص ۱۰۳، نکته ۱۱۴.

در قرآن اسماء مختلفی برای خداوند ذکر شده؛ خداوند سمیع است و می‌شنود، رحیم است و محبت می‌کند، علیم است و از آنچه در جهان می‌گذرد باخبر است و ... این‌ها اسماء لفظی خداوند هستند. ما با این الفاظ خدا را می‌خوانیم و از طریق این الفاظ به او توجه پیدا می‌کنیم. اما در ورای این الفاظ، یک سری حقایق و کمالات حقیقی هست؛ مثلاً وقتی می‌گوییم خداوند حی است، این حی بودن فقط یک لفظ نیست؛ بلکه بیانگر حقیقت و کمالی در ذات خداست که به موجودات جان می‌بخشد و آن‌ها را زنده می‌کند؛ یا وقتی می‌گوییم خداوند قادر است، یعنی در ذات خداوند کمالی وجود دارد که به موجودات عالم قدرت می‌بخشد و هر موجودی در عالم صاحب قدرت است، این قدرت را از خداوند گرفته است.

فرشتگان در حقیقت مظهر این اسماء و کمالات هستند؛ یعنی وقتی این اسماء می‌خواهند در جهان کار انجام دهند، این کار را به وسیله نیرو و قوه فرشتگان انجام می‌دهند؛ به طور مثال، بسیاری از چیزها در عالم لازم است به هم بچسبند و متصل شوند. این کار تحت اسم «واصل» و توسط فرشتگانی انجام می‌شود که مظهر اسم واصل خداوندند و این اسم را در خود دارند؛ یا مثلاً صورتگری، کار فرشتگانی است که مظهر اسم «مصور» هستند. هیچ دو نفری در جهان پیدا نمی‌شوند که صد در صد شبیه هم باشند. به تعداد آدم‌های کره زمین چهره و اندام متفاوت وجود دارد؛ برگ‌ها هم همین‌طور. هیچ دو برگی در جهان نیستند که کاملاً شبیه هم باشند. این تنوع همگی از خروجی‌ها و تولیدات اسم مصور خداوند هستند که به وسیله ملائکه مصور و صورتگر ایجاد می‌شوند.

پس وقتی از نیروی گرانش، نیروی الکتریکی، نیروی مغناطیسی یا هر نیروی دیگری در فیزیک صحبت می‌کنیم، در واقع از نیروی فرشتگان صحبت می‌کنیم. این فرشتگان هستند که با نیروی خود زمین را به دور خودش و خورشید می‌چرخانند. ابرها را فرشتگان بارور و از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌کنند. حرکت اسپرم به سمت تخمک، انجام لقاح، تشکیل جنین و تمام فرآیندهایی که منجر به تولد یک انسان می‌شود، توسط فرشتگان و با قوه آن‌ها مدیریت می‌شود. فرشتگان کارگزاران خداوند و بازوهای اجرایی او در عالم

هستند، که امور عالم را به اذن خداوند تدبیر می‌کنند.^۳ در درس‌های بعدی درباره ویژگی‌ها و نحوه عملکرد فرشتگان در عالم بیشتر می‌آموزیم.

۳ «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر می‌کنند، «سورة نازعات، آیه ۵»